

تولد ستاره

مرا با خود ببر
به انتهای سفر
به نقطه پایان
که فریاد می کشند
اینجا ست
آخر خط !

مرا با خود ببر
پشت دیوارها
آن دیوار بلند
با برج های آهنینش
پشت آن تپه
که ایستادند هزاران سرو بلند
و آواز خواندند
آزادی.
پشت آن دیوار بلند
که جفدها می خواندند
سرود انتقام.
که ماه بیرون نیامد از خجالت
و شب ستاره باران شد

مرا با خود ببر
به زادگاه ستارگان
به انتهای آن رود نغمه خوان
به دریا
که رسید ماهی سیاه کوچولو

مرا با خود ببر
به آن خاک تشنه
خاک عاشق
میکده مستان
به خاوران
منزل گاه ستارگان
به دریا
به انتهای آن رود نغمه خوان